



— 3719

800

1

۲۹۲

عبدالله بن محمد

www.ketab.ir

الانميان
حظ تشد

صادق
شد

شکر ہجران

خاطرات آیت اللہ صادق قہارہ

میان لشکر ہجران

میان لشکر ہجران

خاطرات آیت اللہ عباسی علی صادق قہارہ

تحقیق و تدوین: سامان سپہوند

سرشناسه ■ سپهوند، سامان. ۱۳۶۶ -
 عنوان و نام پدیدآور ■ میان لشکر هجران؛ خاطرات شفاهی آیت‌الله عباسعلی صادقی قهاره / تحقیق و تدوین سامان سپهوند؛ تهیه شده واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.
 مشخصات نشر ■ قم؛ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری ■ ۳۸۲ ص.؛ مصور، عکس، نمونه. ۵/۱۴×۱۱/۱ س.م.
 شابک ■ ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۱۲۶-۱
 وضعیت فهرست نویسی ■ فیا
 یادداشت نمایه
 عنوان دیگر ■ خاطرات شفاهی آیت‌الله عباسعلی صادقی قهاره.
 موضوع ■ صادقی قهاره، عباسعلی، ۱۳۰۴ - - خاطرات
 موضوع ■ مجتهدان و علما - - ایران - - خرم‌آباد - - سرگذشتنامه
 موضوع ■ Biography - - Khoram-abad - - Iran - - Ulama
 شناسه افزوده ■ دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی. واحد تاریخ شفاهی
 شناسه افزوده ■ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف
 رده بندی کنگره ■ ۲۹۷/۹۶۰۶ س ۲۱۰۶۷ BP۵۵/۲
 رده بندی دیویی ■ ۲۹۷/۹۶۰۶
 شماره کتابشناسی ملی ■ ۴۷۰۵۱۶۴



میان لشکر هجران؛ خاطرات شفاهی آیت‌الله عباسعلی صادقی قهاره

- تهیه شده در واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
- تحقیق و تدوین: سامان سپهوند
- مدیر هنری: رسول خسرویگی
- ویراستار: نجش توکلی لشکرجانی
- نمونه خوان: فاطمه آقایی، مرضیه یعقوبی
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- چاپ اول: ۹۶
- قیمت: ۱۷ هزار تومان

دفتر مطالعات جبهه فرهنگی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۶۰، حسینییه هنر | تلفن: ۰۲۱ ۸۸۹۶۰۴۷۷

دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۳۲، پلاک ۳ | ۰۲۵۳۳۱۰۷۷ | ۰۲۵۳۷۷۴۰۰۰۴

Ketabroom.ir @MaarefBook

عکس روی جلد:

بازدید از منطقه شاوریه در میان نیروهای لشکر ۸۴ پیاده.

امیرسرستپ دوم اسکندر بیرانوند نفر سمت راست آیت‌الله صادقی و نفر کنار آقای بیرانوند با کلاه آهنی حسن عابدینی
 استاندار وقت لرستان



بسمه تعالی

حوزه علمیه کمالیه خرم آباد

پیوست

شماره

تاریخ

اینجانب عبدالحی صادقی قهاره، فرزند محمد باقر، متین خاطرات
موجود در این کتاب را که توسط جناب آقای سامان پهلوند
در دفتر مطالعات علمی فرهنگی انجمن اسلامی تهیه و تدوین
شده است را با تأیید من
امید است که مطالعه این کتاب خاطرات، برای آیندگان و
به ویژه مؤمنین مفید واقع شود. آمین

عبدالحی صادقی قهاره
۲۵ خرداد ۱۳۹۶

۱۳	مقدمه
۲۳	از تولد تا هجرت به خرم آباد
۲۳	نخستین سال ها
۲۸	شروع تحصیل
۳۰	تحصیل در حوزه
۳۲	رونق حوزه علمیه قم
۳۳	هجرت به قم
۳۴	آشنایی با حضرت امام و آیت الله بهاء الدینی
۳۴	دعوت آیت الله بهاء الدینی به قهساره
۳۶	ماجرای کشف حجاب و تغییر لباس
۳۷	ممنوعیت مراسمات مذهبی
۳۹	دیدار خانواده پس از دو سال
۴۰	اولین سفر تبلیغی
۴۲	تبلیغ در خمین
۴۵	تبلیغ در روستاهای مازندران
۴۷	امام جماعت مسجد جمکران
۴۹	جنگ جهانی دوم و حمله متفقین
۵۲	استقبال از آیت الله سید حسین طباطبائی قمی
۵۵	تحول در حوزه های علمیه با عزیمت آیت الله بروجردی به قم
۵۵	سفر تبلیغی به لرستان
۵۸	روضه های منزل آیت الله کمالوند
۵۹	آشنایی با آیت الله مهدوی کنی
۶۱	ازدواج و تولد فرزندان
۶۴	دوستان
۶۶	اساتید
۶۷	خاطره ای از آیت الله بروجردی
۶۹	تدریس در قم

۷۱.....	آشنایی با شهید بهشتی
۹۵.....	از هجرت به خرم‌آباد تا پیروزی انقلاب اسلامی
۹۵.....	وضعیت حوزه خرم‌آباد قبل از تأسیس حوزه کمالیه
۹۶.....	تأسیس حوزه کمالیه
۹۷.....	دعوت اساتید به حوزه کمالیه
۹۸.....	امام جماعت مساجد خرم‌آباد
۱۰۰.....	حج به نیابت پدر بزرگ
۱۰۰.....	ممانعت دولت از سفر حج
۱۰۳.....	زیارت عتبات عالیات و مساعدت امینی
۱۰۵.....	سفر حج در کنار شهید سید نورالدین رحیمی
۱۰۶.....	کناره‌گیری از مدیریت کاروان حج
۱۱۰.....	جلسات قیآن
۱۱۲.....	هیئت‌های عمراری خرم‌آباد
۱۱۳.....	درگذشت آیت‌الله بروجردی
۱۱۴.....	اقدامات شاه پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی
۱۱۶.....	اجازه احمد وجوه شریعی
۱۱۷.....	خاطره‌ای از حضور در خدمت امام
۱۱۸.....	حجت الاسلام سید عبدالله صدری
۱۲۰.....	لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۱۲۲.....	آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی نجفی
۱۲۴.....	انقلاب سفید
۱۲۴.....	نامه امام به آیت‌الله کمالوند
۱۲۶.....	ملاقات‌های آیت‌الله کمالوند با مسئولان رژیم بهشتی
۱۲۸.....	درگذشت آیت‌الله کمالوند
۱۲۸.....	مدیریت حوزه پس از آیت‌الله کمالوند
۱۳۱.....	کاپیتولاسیون
۱۳۳.....	دعوت آیت‌الله فلسفی به خرم‌آباد
۱۳۴.....	دعوت از شهید مطهری و علمای دیگر
۱۳۶.....	تأسیس دبیرستان علوی
۱۳۸.....	هجرت آیت‌الله مدنی به خرم‌آباد
۱۴۲.....	شیخ احمد کربوبی
۱۴۳.....	شهادت آقا مصطفی خمینی
۱۴۴.....	واکنش به مراسم دعا به جان شاه
۱۴۶.....	مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات
۱۴۶.....	فعالیت فرزندان
۱۵۱.....	سخنرانی در ماه مبارک رمضان و افشاگری علیه رژیم
۱۵۳.....	دستگیری روحانیون خرم‌آباد
۱۵۶.....	بازجویی و سلول انفرادی
۱۶۰.....	سلول اجتماعی
۱۶۱.....	انتقال به زندان قصر

۱۶۶	دیدار با بزرگان در مشهد
۱۶۸	ادامه مبارزات پس از آزادی از زندان
۱۷۱	فرار شاه
۱۷۲	هم‌بستگی ارتش با انقلاب
۱۷۵	ورود امام به ایران
۱۷۵	دیدار با امام خمینی
۱۷۷	حمله به ژاندارمری
۲۱۳	از پیروزی انقلاب تا رحلت امام خمینی رهبر
۲۱۳	مهندس بازرگان
۲۱۵	حاکم شرع
۲۱۶	اعدام رئیس شهربانی
۲۱۶	ماجرای اعدام شهید امنیت شهر
۲۱۷	مصادره اموال و واکنش جوانان انقلابی
۲۱۹	مشکلات حاکم شرع بودن
۲۲۵	جمهوری اسلامی
۲۲۶	جهاد سازندگی
۲۲۷	سیدجعفر ورامینی، نمائنده امام
۲۲۸	کمیته مرکزی خرم‌آباد
۲۲۹	کمیته دورود
۲۳۰	بازگرداندن اسلحه‌ها
۲۳۲	شورای شهر خرم‌آباد
۲۳۳	سرنوشت تیمسار آذری
۲۳۴	دکتر حسین عالی
۲۳۴	مهندس حسین محلوجی
۲۳۵	مهندس حسن عابدینی
۲۳۷	فضایی علیه سرمایه‌دارها
۲۳۸	حوزه بعد از آقای قاضی
۲۳۹	پاک‌سازی ضدانقلاب
۲۴۰	طلبه‌ای که مأمور ساواک بود
۲۴۱	روحانی تبعیدی در خرم‌آباد
۲۴۳	پی‌گیری سرنوشت احمد
۲۴۵	بنی صدر
۲۴۷	خلق عرب
۲۴۹	شهید رجایی در خرم‌آباد
۲۵۰	حضور در جبهه در کنار روحانیون
۲۵۱	بازدید از مقر لشکر ۸۴ لرستان
۲۵۳	کمک به عملیات فتح‌المبین
۲۵۴	دیدار با شهید نعمت‌الله سعیدی در جعفر
۲۵۵	سهم‌خواهی منافقین و ترور مسئولان
۲۵۶	مبارزه با منافقین

۲۵۸		ترور حجت الاسلام عبدالحسین میسر
۲۶۰		نماز جمعه خرم آباد
۲۶۴		تصادف و شکستگی دست راست
۲۶۶		حمله موشکی به خرم آباد
۲۶۸		مبارزه با مواد مخدر
۲۷۳		شهید علی صیاد شیرازی
۲۷۴		خبرالله معماری و ایستگاه صلواتی مسجد قائم عجل الله تعالی فرجه
۲۷۶		ملاقات با آیت الله بهاء الدینی در خرم آباد
۲۷۷		محل سکونت در خرم آباد
۲۷۹		بازسازی بنای حوزه کمالیه
۲۸۰		رحلت امام
۲۸۱		سرکشی به روستا
۲۸۲		تأثیر احترام به والدین
۲۹۹		تصاویر
۳۲۹		اسناد
۳۸۳		اعلام

پیشگفتار ناشر

به‌ها هم‌راه هسته فعالیت فرهنگی، مقارن سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی شکل گرفت که نقشی محوری در پیشبرد اهداف انقلاب داشت. از مساجد و مدارس دینی تا روضه‌ها، هیئت‌ها، انجمن‌های اسلامی و جلسات قرآن. همه اینها عامل اصلی انقلاب بودند در میان مردم و انقلاب از تربیت توده مردم به وسیله نهادهای این چنینی به وقوع پیوست. بستر این هسته‌ها و مراکز انقلاب، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بود؛ از اشعار و ترانه‌های اعتراضی و انقلابی گرفته تا پوسترها، کارت پستال‌ها، دیوارنوشته‌ها، نمایشنامه‌ها، تئاترها، مستندها، عکس‌ها و... همه و همه ابزاری بودند در دست مردم و هنرمندان تا به گسترش و عمق فکری و عینی انقلاب یاری رسانند. همه این تحرکات، نوع متمایزی از هنر درباری و نیز روشنفکری را جان بخشید: «فرهنگ و هنر مردمی انقلاب».

بعد از پیروزی انقلاب و شروع دفاع مقدس، به واسطه اوضاع خاص آن دوره، حضور مردمی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی نیروی پررنگ شد و چهره‌ای خاص از فضای اجتماعی ایران دهه ۶۰ را تصویر کرد. حضور در راهپیمایی‌ها، تظاهرات‌ها و... حالا جای خودش را به حضور در نهضت سوادآموزی برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، حضور در جهاد سازندگی برای مقابله با ظلم و فقر، حضور در مدارس و سنگ‌های تربیتی برای پرورش و تربیت نسل‌ها، کمک‌های پشت جبهه برای اداره و کمک به دفاع، حضور خردسالان و نوجوانان در گروه‌های سرود و تئاتر مساجد و مدارس برای زنده نگه داشتن فرهنگ انقلابی و... داده بود. این ظهور و بروزها قسمت مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی است که ثبت نشده و نمی‌شود؛ تاریخی که متمایز با تاریخ

سیاسی و نخبگانی رایج است؛ تاریخ مردمی و اجتماعی فرهنگ انقلاب، توجه به این قسمت تاریخ، به شدت مهم، ضروری و فوری است؛ چراکه انقلاب اسلامی برای حیات خود در عرصه‌های مختلف نیاز به فرهنگ موجب انقلاب دارد و فرهنگ انقلاب تنیده است در تاریخ‌اش، ممزوج با زندگی مردم و روایت مردم از آن دوران که خود موجب بازتولید فرهنگ خواهد شد.

انقلاب در علوم انسانی نیاز به قرائت درست خود از این مقوله دارد و علوم انسانی ایرانی قطعاً از تجارب تربیتی، مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم انقلابی در دهه ۵۰ و ۶۰ برخوردار خواهد داشت.

بایکوت و سانسور تاریخ اجتماعی و فرهنگی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی، به تجربه انقلاب ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه متأسفانه فراگیر است و از افغانستان تا مصر را هم در بر می‌گیرد.

«گنج»، جهاد برای آفرینداری از معادن و منابع انکارشده تاریخ معاصر در فضای ملی و بین‌المللی، تکلیف خود می‌داند و از همه فرهیختگان و دبستانان انقلاب اسلامی در این مسیر طولانی استمداد می‌طلبد.

واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

مقدمه

ضرورت پرداختن به خاطرات و ناگفته‌های نهضت امام خمینی رحمته الله علیه از زبان کسانی که در بطن ماجراها و اتفاقات آن روزگار حضور داشته‌اند، بر کسی پوشیده نیست. اما با وجود این که مجموعه‌ها و افراد بسیاری در عرصه «تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی» فعالیت می‌کنند، هنوز اقدامی متناسب با آن اتفاق عظیم صورت نگرفته است. به فرموده امام خمینی رحمته الله علیه، «باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب، بردوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد.» (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۳۹) اما با گذشت این همه سال، تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی با این شاخصه فاصله بسیاری دارد. هنوز به خوبی نشان داده نشده است که «چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپس‌گرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه، اسلام آمریکایی کردند.» (همان)

روحانیانی که دل در گرو امام خمینی رحمته الله علیه داشتند، سینه‌های پُردرد و حرف‌های ناگفته‌ای از روزهای نهضت و مبارزه دارند. امروز که سال‌ها از آن روزهای پُر از خوف و خطر گذشته، خاطرات بسیاری از این روحانیان ثبت و ضبط نشده است. هنوز نشان داده نشده است «که در جمود حوزه‌های علمیّه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می‌کردند، تنی چند از عالمان دین باور دست در دست مردم کوچه

و بازار، مردم فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند.» (همان: ۲۴۰)

آیا به روشنی ترسیم شده است که «در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ آباد تحجر و تقدس مآبی، چه ظلم‌ها بر عده‌ای روحانی پاک‌باخته رفت؛ چه ناله‌های دردمندانه کردند؛ چه خون‌دل‌ها خوردند؛ متهم به جاسوسی و بی‌دینی شدند، ولی با توکل بر خدای بزرگ، کمر همت را بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به طوفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، علم و خرافه، روشنفکری و تحجرگرایی، سرافراز ولی غرور به خون یاران و رفیقان خویش پیروز شدند.» (همان)

انقلاب اسلامی هم به دلیل ماهیت و چگونگی وقوع آن و هم به سبب نتایج و پیامدهایش، از انباده‌های نوگانی نیازمند بررسی و مطالعه است. نگاهی اجمالی به باورهای اغلب مخالفان رژیم پهلوی نشان می‌دهد که فصل مشترک آنها، بهره‌گیری از نمادها و شعارهای سیاسی مذهبی تشیع است. در رأس مخالفان رژیم پهلوی، روحانیان قرار داشتند. فعالیت‌های سیاسی و مذهبی روحانیان و چهره‌های برجسته مذهبی، در قالب سامانی هدف‌دار، به نام «حوزه علمیه» نمود پیدا کرد. آیت‌الله حائری در فروردین ۱۳۰۱ بنا به درخواست علمای قم به این شهر هجرت نمود و حوزه علمیه را تأسیس کرد. سال ۱۳۰۱ را می‌توان سرآغاز شکل‌گیری حوزه علمیه قم به حساب آورد. آیت‌الله حائری با برگزاری دروس خارج فقه و نیز با اِعمال تدابیری ویژه در سامان دادن به امور حوزه، زمینه‌های مرکزیت یافتن آن را فراهم کرد. شکل‌گیری حوزه قم، هم‌زمان با روی کار آمدن رضاشاه و شکل‌گیری حکومت پهلوی اول آغاز شد. آیت‌الله حائری تلاش فراوانی برای ساماندهی و متمرکز کردن امور حوزه انجام داد. چه بسا، منش غیرسیاسی وی باعث شد که آسیب‌پذیری حوزه در مقابل سخت‌گیری‌های حکومت رضاشاه به حداقل برسد. تاریخ کمبریج، تأسیس

حوزه علمیه قم را مهم‌ترین واکنش علما در تقابل با سیاست‌های رضاشاه توصیف می‌کند. بدین بیان، مهم‌ترین واکنش علما در مقابل سیاست‌های رضاخان، نوسازی و توسعه نهاد آموزش مذهبی (حوزه) در قم به دست شیخ عبدالکریم حائری بود.

با فوت آیت‌الله حائری در سال ۱۳۱۵، اداره حوزه علمیه، تحت مرجعیت آیت‌الله خوانساری، آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت ادامه یافت. بنا به گفته علمایی که در آن زمان در این حوزه مشغول به تحصیل بوده‌اند، یکی از دلایل دعوت آیت‌الله بروجردی به قم، نبود مرکزیت در زعامت حوزه در زمان مراجع ثلاث بود.

آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۲۴ به قم هجرت کرد و امر مرجعیت به صورت متمرکز در دست ایشان قرار گرفت. سازمان‌یابی بیش از پیش حوزه علمیه، دغدغه اصلی ایشان بود. حوزه در این دوره قوام تازه‌ای یافت.

پس از هجرت آیت‌الله بروجردی به قم، آیت‌الله کمالوند در دی ماه همان سال راهی قم شد. هدف وی از این سفر، تثبیت جایگاه مرجعیت آیت‌الله بروجردی و تقویت حوزه علمیه قم بود. در محدوده آن سال‌ها، علمای بزرگ و تأثیرگذاری چون: شیخ عبدالرحمن مجتهد لریستانی در سال ۱۳۱۵، آیت‌الله سیدحیدر طاهری در سال ۱۳۲۵ و آیت‌الله سیدابراهیم جزایری در سال ۱۳۲۶ از دنیا رفتند. درگذشت این سه عالم بزرگ در فاصله زمانی کوتاه، ضربه بزرگی بر جامعه دینی لرستان وارد کرد.

«در سال ۱۳۲۹، آیت‌الله کمالوند بنا به درخواست و اصرار مردم و بهمانندگی از طرف آیت‌الله بروجردی، برای تأسیس حوزه علمیه به خرم‌آباد بازگشت. حوزه علمیه خرم‌آباد در اول مهر سال ۱۳۲۹، مصادف با نیمه شعبان رسماً

* مراجع ثلاث، عنوانی است که به سه روحانی تأثیرگذار در جنبش مشروطه ایران، یعنی محمدکاظم خراسانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی و عبدالله مازندرانی اطلاق می‌شود.

تأسیس و راه‌اندازی شد.» (عیدی، ۱۳۸۷: ۲۱۶) حوزه علمیّه خرم‌آباد سبب شد اسلام متشرعه و رساله‌ای، جایگزین اسلام عامیانه و سینه به سینه در میان عشایر و روستانشینان لرستان شود. طلبه‌های این مدرسه افزون بر فرزندان سادات که به‌طور سنتی وظیفه ارشاد و هدایت مردم را برعهده داشتند، از میان فرزندان روستانشینان و عشایر انتخاب شدند. آنان با فراگیری دقیق احکام شرعی، در ماه‌های رمضان، محرم و صفر به زادگاه خود برمی‌گشتند و به ترویج آموخته‌های خویش همت می‌گماشتند.

آیت‌الله بروجردی در ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ درگذشت. رژیم پهلوی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله، فرصت را برای اجرای سیاست‌های خود ازجمله: تصویب نامه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و... مناسب می‌دید. اقدامات حکومت پهلوی واکنش امام خمینی رحمته‌الله را به دنبال داشت. آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی، سال‌ها به تقویت حوزه علمیّه پرداختند. بدین ترتیب این دو عالم بزرگوار، سهم چشمگیری در شکل‌گیری و نهادینه کردن تحولات اجتماعی داشته‌اند. اوج این تأثیرگذاری را در سال‌های آغاز نهضت امام خمینی رحمته‌الله تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان به روشنی مشاهده کرد. در میان علمای آن روز، آیت‌الله کمالوند که از زمان آیت‌الله حائری با امام خمینی رحمته‌الله آشنایی داشت، به خوبی توانست در کنار امام رحمته‌الله قرار بگیرد و تمام ظرفیت‌های خود و حوزه تحت مدیریتش را به میدان بیاورد. ایشان در فروردین ۱۳۴۳ به دلیل عارضه قلبی درگذشت. این موضوع، ضربه جبران‌ناپذیری بر پیکره نهضت امام خمینی رحمته‌الله وارد کرد. در سال‌های نهضت امام خمینی رحمته‌الله تا پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات حوزه علمیّه کمالیه نشان از این دارد که حوزه علمیّه، یکی از بزرگترین نمادهای عینی سازماندهی نیروهای مذهبی، به خوبی بارور شده و در کارزار تقابل با حکومت پهلوی، از نهضت امام خمینی رحمته‌الله پشتیبانی مناسبی به عمل آورده است.

به سبب راه‌اندازی حوزه علمیه خرم‌آباد و جایگاه آیت‌الله کمالوند در رأس آن، گروهی از مدرّسان و طلبه‌های شهرهای مختلف ایران، برای تدریس و تحصیل به خرم‌آباد آمدند. مهاجرت این افراد در تحول فکری سادات، روحانیان و دیگر متولیان امور مذهبی خرم‌آباد تأثیر فراوانی به جا گذاشت؛ چراکه به دلیل مسائل سیاسی، اجتماعی و تاریخی این سامان، افراد مذهبی ارتباط کم‌تری با دیگر نقاط ایران داشتند. این افراد با اقامت درازمدت در خرم‌آباد و برقراری رابطه با مردم، در انتقال فرهنگ‌ها و تصحیح رفتارها و من‌های دینی نقش داشتند.

«حضور این افراد، به ویژه تأثیر آنان در سازماندهی نهضت، سبب شد که جنبش روحانیت لرسران از حالت قومی بیرون آمده و پیوندهای ملی و هم‌ریشگی آنان با نهضت قلم نمود بیشتری پیدا کند.» (دالوند، ۱۳۸۴: ۱۱)

یکی از روحانیانی که به دعوت آیت‌الله روح‌الله کمالوند به خرم‌آباد آمد، آیت‌الله عباسعلی صادقی قهاره است. آیت‌الله عباسعلی صادقی قهاره از روحانیان برجسته و فضلاء معروف حوزه علمیه کمالیه، با دعوت آیت‌الله کمالوند در سال ۱۳۳۸ به خرم‌آباد هجرت کرد. از میان افرادی که آیت‌الله کمالوند آنها را به خرم‌آباد دعوت کرد، تنها ایشان اقامت طولانی مدت و دائمی را در خرم‌آباد برگزیدند.

عوامل متعددی سبب شد تا خاطرات آیت‌الله عباسعلی صادقی قهاره جمع‌آوری و تدوین شود. از مهم‌ترین آنها می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. ارتباط نزدیک و صمیمی با مراجع تقلید و بزرگان حوزه علمیه قم، از قبیل آیت‌الله بروجردی، امام خمینی رحمته‌الله، آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله گلپایگانی؛ ایشان در سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۸ که به دعوت آیت‌الله روح‌الله کمالوند به خرم‌آباد هجرت می‌کنند، حدود ۲۰ سال در قم ساکن بوده و به

درس و بحث مشغول بوده‌اند. جدّیت و علاقه ایشان به کسب علم و بهره‌گیری از محضر اساتید نامی حوزه، باعث می‌شود فرصت ارتباط با این بزرگان فراهم شود. این رابطه موجب می‌شود که ایشان در سال‌های سکونت در خرم‌آباد، رابط بین حوزه علمیّه قم و آیت‌الله کمالوند باشند. این موضوع، در سال‌های بعد از درگذشت آیت‌الله کمالوند و حتی پس از پیروزی انقلاب نیز منشأ برکاتی برای حوزه علمیّه کمالیه و مردم لرستان شد؛

۲. پیوستگی ایشان با حوزه علمیّه قم و دوستی با شخصیت‌های برجسته سیاسی و علمی چون: آقای هاشمی رفسنجانی، شهید مصطفی خمینی، شهید مطهری، آیت‌الله فاضل لنکرانی و...: حضور مستمر و طولانی مدت آیت‌الله صادقی قهاره در حوزه علمیّه قم و علاقه به تحصیل و تدریس موجب می‌شود که بسیاری از کسانی که در سال‌های نهضت امام خمینی رحمه‌الله و پس از پیروزی انقلاب نقش مهم و تأثیرگذاری در امور علمی و سیاسی داشته‌اند، با ایشان رابطه دوستی برقرار کنند؛

۳. پشتیبانی ایشان از نهضت امام خمینی رحمه‌الله در تمام مراحل و پرداخت هزینه‌های سنگین بابت آن: به گواهی اسناد و گزارش‌های ساواک، ایشان در تمامی مراحل نهضت، حضور مستمر و جدّی داشته‌اند. به دلیل همین فعالیت‌ها دستگاه‌های حکومت پهلوی بارها ایشان را بازخواست کرده‌اند. آیت‌الله صادقی سرانجام در تیر ۱۳۵۷ دستگیر و زندان می‌شوند؛

۴. سفرهای تبلیغی دور و نزدیک، به اقصی نقاط کشور و شهرها و روستاهای مختلف استان لرستان: آیت‌الله صادقی قهاره در سال‌های ابتدایی حضور در حوزه علمیّه قم، با هدایت و راهنمایی شهید آیت‌الله صدوقی، جای در عرصه تبلیغ می‌گذارند. استان لرستان نیز یکی از نقاطی است که ایشان بارها در روستاهای آن به تبلیغ امور دینی پرداخته‌اند. تبلیغ در میان عشایر لرستان و آشنایی با آنها این فرصت را به وجود می‌آورد که عشایر در روزهای سخت نهضت با اشاره آیت‌الله صادقی قهاره به میدان بیایند و از روحانیت و نهضت امام خمینی رحمه‌الله حمایت و پشتیبانی کنند؛

۵. ریاست دادگاه انقلاب و حاکم شرع بودن ایشان: در همان هفته های اول پیروزی انقلاب اسلامی، آیت الله «مؤمن» ایشان را حاکم شرع لرستان منصوب می کنند. به همین دلیل در جریان مسائلی چون محاکمه مسئولان حکومت پهلوی، برخورد با منافقان و اتفاقات ریز و درشت دیگر قرار می گیرند؛

۶. ریاست حوزه علمیه کمالیه و تربیت طلاب: پس از درگذشت آیت الله کمالوند، به دستور امام خمینی رحمته الله علیه حاج شیخ مهدی قاضی، به سرپرستی حوزه علمیه کمالیه انتخاب می شوند، اما در عمل مسئولیت امور علمی حوزه بر دوش آیت الله صادقی قهاره بوده است. این مسئولیت در سال های سکونت آیت الله محمد باقر آیت الله مدنی در خرم آباد، به آیت الله مدنی واگذار می شود. پس از تبعید آیت الله مدنی به نورآباد ممسنی، بار دیگر آیت الله صادقی قهاره مدیریت آن را بر عهده می گیرند. پس از پیروزی انقلاب و هجرت حاج شیخ مهدی قاضی به تهران و سپس قم، حوزه علمیه کمالیه تحت مدیریت ایشان قرار می گیرد.

از ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ تا ۱۳ خرداد ۱۳۹۲، آقایان ایمان سپهوند و رضا اقبالی در مجموع ۳۳ ساعت مصاحبه انجام دادند. این مصاحبه ها پس از بازشنوایی، پیاده سازی و مکتوب شد. در اسفند ۱۳۹۲، جمعی از نهادهای فرهنگی استان لرستان تصمیم داشتند به منظور تدوین سال ها مجاهدت بی وقفه آیت الله صادقی قهاره مراسم نکوداشتی برای ایشان برگزار کنند. یک ماه مانده به آن مراسم، آیت الله صادقی قهاره با بنده تماس گرفتند. موضوع نکوداشت را مطرح کردند و خواستند که کتاب خاطراتشان در آن مراسم رونمایی شود. تقبل این موضوع با توجه به مصاحبه های انجام شده و محدودیت زمانی ای که داشتم، بسیار مشکل بود. بررسی اسناد و گزارش های ساواک درباره فعالیت های روحانیان در لرستان، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین اسناد و روزنامه های پس از پیروزی انقلاب، خبر از این

داشت که همهٔ اتفاقاتی که راوی در آن نقش داشته، در مصاحبه‌هایی که تا آن زمان انجام شده بود، مطرح نشده‌اند.

همان روز خودم را به دفتر کار ایشان رساندم و دغدغه‌ام را که همان ناگفته ماندن برگ‌هایی از تاریخ انقلاب بود، با ایشان در میان گذاشتم. آیت‌الله صادقی قول مساعد دادند که بعد از مراسم نکوداشت، وقت لازم را برای تکمیل خاطرات در اختیارم قرار بدهند.

در نهایت یک نسخهٔ اولیه از خاطرات ایشان با عنوان «خاطرات آیت‌الله صادقی قهاره» در مراسم نکوداشت رونمایی شد.

۱۶ اسفند ۱۳۹۲، اولین مصاحبهٔ تکمیلی را با ایشان انجام دادم. در مجموع پنج ساعت، مصاحبهٔ تکمیلی تا ۲۳ فروردین ۱۳۹۳ صورت گرفت. بخشی از نکات و سؤالات پرسیده شد، اما برخی موضوعات را به خاطر نداشتند. برای تکمیل مطالب، با غلامحسین صادقی قهاره و دکتر رضوانی و همسرشان، هر کدام یک جلسه مصاحبه کردم. دکتر رضوانی و همسرشان عکس‌های زیادی از اعضای خانواده و آیت‌الله صادقی قهاره در اختیارم گذاشتند که تعدادی از آنها در کتاب آمده است.

آیت‌الله صادقی قهاره در خاطراتشان دربارهٔ وقایع، عناصر و مراکز تأثیرگذار زیادی در دوره‌های مختلف تاریخی قبل و بعد از انقلاب سخن می‌گویند. به‌طور کلی می‌توان این خاطرات را در دو سطح ملی و منطقه‌ای بررسی کرد. تدوین این خاطرات نیازمند تحقیقات گسترده‌ای بود و در نهایت موجب شد که حجم پی‌نوشت‌ها زیاد شود. برخی مراکز و سازمان‌های اسنادی و اطلاعاتی، بخشی از اسناد، مدارک و خاطرات روزهای انقلاب را منتشر کرده‌اند. این مجموعه‌ها زمینهٔ نسبتاً مناسبی برای گویاسازی اطلاعات مطرح‌شده در خاطرات ایجاد کرده‌اند. به نظر بنده هر کتاب، به ویژه خاطرات مبارزان و انقلابی‌ها، دارای هویت مستقلی است و فرصتی ایجاد می‌کند که از پیشینیان

بیشتر بدانیم. بعضی از پی‌نوشت‌ها می‌تواند منبعی برای تحقیقات دیگران باشد. از طرف دیگر، ممکن است دیگر فرصتی دست ندهد تا از برخی افراد و اتفاقات سخنی به میان آید. همه اینها در راستانی مثل لرستان که هنوز حرکت فراگیری برای جمع‌آوری و ثبت تاریخ انقلاب در آن صورت نگرفته است، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. با وجود این، مطمئن نیستم که همه آنچه می‌توانست در بیان زوایای پنهان آن روزها مؤثر باشد، در تدوین خاطرات آیت‌الله صادقی قهاره و پی‌نوشت‌ها آمده باشد.

بیشتر پاورقی‌های کتاب، تلفیق و تلخیص از چند منبع هستند و به دلیل حجم زیاد، آنها را در پایان هر فصل قرار داده‌ام. لازم به ذکر است بعضی از مطالبی که راوی مطرح کرده و خارج از روند خاطرات بوده، به صورت پی‌نوشت در همان صفحه مربوط آمده است. در پایان هر پی‌نوشت، ارجاع منابع ذکر شده است. خوانندگان در قسمت «منابع و مآخذ» می‌توانند به نشانی کامل منابع تحقیق دست پیدا کنند.

فصل اول کتاب حاضر، «از ولادت تا هجرت به خرم‌آباد» نام دارد. این فصل شامل: سال‌های کودکی، شروع تحصیلات حوزوی و هجرت به قم، آشنایی با حضرت امام و آیت‌الله بهاء‌الدینی، کشف حجاب، سفرهای تبلیغی، ازدواج، عزیمت آیت‌الله بروجردی به قم، اساتید و تدریس است.

فصل دوم، «از هجرت به خرم‌آباد تا پیروزی انقلاب اسلامی» نام دارد. این فصل به موضوعات متنوعی از قبیل: سفرهای حج آیت‌الله صادقی قهاره، جلسات قرآن خرم‌آباد، اقدامات شاه پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، انقلاب سفید، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، درگذشت آیت‌الله خالوند و مدیریت حوزه پس از ایشان، کاپیتولاسیون، هجرت آیت‌الله مدنی به خرم‌آباد، مقاله روزنامه اطلاعات و واکنش‌های صورت گرفته به آن، دستگیری و زندان و برخی مباحث دیگر می‌پردازد.

فصل سوم، «از پیروزی انقلاب تا رحلت امام خمینی (ره)» نام دارد. این فصل، خاطرات راوی در دوران حاکم شرع بودن، برخورد با منافقان، اعدام

و دستگیری مأموران حکومت پهلوی، بازدید از مناطق عملیاتی و مباحث دیگر را دربرمی گیرد.

در میان زندگی پرفراز و نشیب آیت الله صادقی قهاره لحظات خاص و مهم کم نبوده اند. هر کدام از آن وقایع و ماجراها می توانست برای انتخاب عنوان کتاب الهام بخش باشند؛ اما برای بنده به عنوان یک پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی «هجرت» و دل کردن از شرایط مطلوب و مناسبی که پس از سال ها درس و بحث در قم برایشان ایجاد شده بود، ارزش دیگری دارد. ایشان تمام مواهب و موقعیت حضور چندین ساله در حوزه علمیه قم را رها کرده اند و به منظور تربیت طلاب و روحانیون لرستان به حوزه کمالیه در خرم آباد هجرت کرده اند. رزمندگان اسلام هم این چنین مسلکی داشتند. آنها هم تعلقات دامن گیر ایه احتی کنار زدند و به دنبال تکلیف و وظیفه رفتند. سال های دفاع مقدس آیت الله صادقی قهاره بسیار با رزمندگان حشرو نشر داشته اند و در هر فرصتی خود را به میدان آنها می رسانده اند. تصویر یکی از این حضور در جبهه ها را برای روی جلد انتخاب کردم و عنوان «میان لشکر هجران» را برای این کتاب مناسب دیدم.

در پایان لازم می دانم از دوستان محترم دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و به طور ویژه برادر عزیز، جناب آقای وحید جلیلی که فرصت چنین کاری را برای بنده ایجاد کردند، تشکر و قدردانی کنم. همچنین توصیه های پژوهشی و روشی آقای مرتضی قاضی در تدوین کتاب پیش رو بسیار کارساز و راهگشا بود که از ایشان نیز صمیمانه سپاسگزارم.

سامان سپهوند

تیر ۱۳۹۶

خرم آباد